

پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد مددکاری اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۲۷

طلعت الهیاری^۱

چکیده

مسئله و هدف: بر خلاف گذشته که نقش مددکاران اجتماعی دستگیری از افراد نیازمند جامعه بوده امروزه هدف مددکاری اجتماعی افزایش کیفیت زندگی همه افراد جامعه است. خدمات مددکاری اجتماعی شامل خدمات رفاهی و خدمات توان بخشی برای همه گروه های سنی (کودکان، نوجوانان و جوانان، بزرگسالان و سالمندان) هم افراد توانا و هم افراد توان یاب (جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی) ارائه می شود. رسیدگی به وضعیت اقتصادی- اجتماعی افراد برای کاهش آسیب های اجتماعی از جمله پیشگیری از وقوع جرم یکی از اهداف مددکاری اجتماعی است و این امر از طریق آگاهی و اطلاع رسانی و سپس شناسایی عوامل آسیب زا در محله و همکاری با نهاد های ذیربط برای کاهش آسیب میسر است.

روش: روش تحقیق حاضر توصیفی-اسنادی است که با استفاده از رویکرد مددکاری اجتماعی و با بهره گیری از سیاست جنایی و در واقع استناد به قوانین سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی انجام شده است.

یافته ها: یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد رابطه مستقیمی بین وضعیت اقتصادی- اجتماعی و آگاهی خانواده ها و وقوع جرم وجود دارد. بدین معنی که خانواده های آگاه از قوانین معمولاً دست به ارتکاب جرم نمی زنند ولی در خانواده هایی که دارای وضعیت پایین اقتصادی- اجتماعی هستند و آگاهی کمتری از قوانین دارند خواسته یا ناخواسته دست به ارتکاب جرم می زنند.

نتایج: چنانچه هر ناحیه شهری یک مددکار اجتماعی داشته باشد که بتواند با خانواده های آن محله (زیر نظر نیروی انتظامی و شهرداری) ارتباط برقرار کند و به امور تحصیلی، اشتغال، تفریح ها، اطلاع رسانی حقوقی ... آنان رسیدگی و در صورت لزوم آنان را از منابع و تسهیلات موجود در جامعه برخوردار کند می توان گفت زمینه های مساعد برای ارتکاب به جرم کاهش می یابد. منظور از اطلاع رسانی حقوقی، آشنایی بیشتر خانواده ها با قوانین مختلف کشور، از جمله آگاهی از قوانین و مقررات جزایی است. این امر وقتی تحقق می یابد که همکاری های لازم بین نهاد ها و سازمان های مرتبط از جمله نیروی انتظامی افزایش یافته و با اهداف مددکاری اجتماعی منطبق و هماهنگ شود. برای مثال، وضعیت آموزشی کودکان توان یاب جسمی و ذهنی در آموزش و پرورش به گونه ای است که برای این دسته از دانش آموزان برنامه ای پس از فراغت از تحصیل (به دلیل سبک آموزشی) نمی توان طراحی کرد از این رو، برخی از آنان جذب گروه های قاچاق مواد می شوند. به همین ترتیب هماهنگی بین نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، کانون اصلاح و تربیت، و سایر نهادهای اجرایی مشابه و رفع اشکالات موجود جهت پیشگیری از جرم بسیار راه گشا خواهد بود.

کلید واژه ها: مددکاری اجتماعی / پیشگیری / جرم / مجرم / قوانین جنایی / نیروی انتظامی

۱- استادیار گروه مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

بدون تردید یکی از اهداف اصلی جوامع بشری برخورداری افراد از رفاه اجتماعی و امنیت اجتماعی است، زیرا نیاز به امنیت از نیازهای اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود. در این راه وظایف نهادها و مؤسسات مختلف و آگاهی و همکاری افراد و جامعه نقش اساسی دارد. از آنجا که مددکاران اجتماعی ارائه‌کنندگان خدمات اجتماعی نیز می‌باشند در کاهش مسائل و مشکلات اجتماعی سهیم هستند. هم‌چنین در پیشگیری از کژ کارکرد های اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند با توجه به اینکه موضوع این مقاله: «پیشگیری از وقوع جرم و بزه با رویکرد مددکاری اجتماعی» می‌باشد، ضروری است که نحوه مجازات‌ها در مرحله قانونگذاری و اتخاذ تدابیری که توسط قانونگذار صورت می‌گیرد شرح داده شود.

بیان مسئله و ضرورت آن

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که آمار خشونت و سرقت در کشور رو به رشد بوده است. تحقیقات مددکاران اجتماعی عوامل مختلفی از جمله مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی را در بروز خشونت و سرقت مؤثر نامیده است. بر اساس آمار موجود، در استان تهران پرونده های سرقت افزایش سالانه دارد به طوری که در سال ۱۳۸۱ تعداد ۱۰۳۸۴۹ پرونده سرقت وجود داشته است و شاخص سرقت به ازای صد هزار نفر جمعیت استان در سال ۷۶ حدود ۳۹۲ بوده که به ۹۲۲ در سال ۱۳۸۱ رسیده است (موسوی چلک، ۱۳۸۳: ۷۲). ذکر این نکته ضروری است که آمارهای ارائه شده تنها آمار پرونده های مختومه است، در حالی که هر سال به طور متوسط حدود ۲۰ درصد کل پرونده‌ها مختومه نمی‌شوند. ضمن اینکه آمارهای ارائه شده نیز آمارهای واقعی نیستند، اما از آنها می‌توان با عنوان آمار رسمی یاد کرد. سرقت‌هایی که انجام می‌شود و پیگیری نمی‌شود یا سرقت‌هایی که انجام می‌شود و افراد سارق شناسایی نمی‌شوند در این آمارها منظور نشده‌اند (موسوی چلک، ۱۳۸۳: ۹۴).

سؤال‌های تحقیق

۱. آیا رابطه مستقیمی بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی و آگاهی اجتماعی خانواده‌ها و وقوع جرم وجود دارد؟
۲. آیا خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایین‌تری دارند از قوانین حقوقی آگاهی کمتری دارند؟
۳. آیا خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی- اجتماعی بالاتری دارند از قوانین حقوقی آگاهی بیشتری دارند؟

مبانی نظری

در این قسمت ابتدا به تعریف مددکاری اجتماعی، مددکار اجتماعی و تعریف گروه‌های جمعیتی پرداخته می‌شود. سپس ضمن بیان دو نظریه مددکاری اجتماعی، مثلث سیاست جنایی و قوانین، مجرم، مؤسسات مورد بحث قرار خواهد گرفت. گرچه در کشور عزیز ما فعالیت مددکاران اجتماعی در بخش حقوقی و در کنار نیروی انتظامی وسعت و سابقه طولانی ندارد، ولی واقعیت این است که مددکاران اجتماعی در بسیاری از کشورها در این زمینه فعالیت چشمگیری دارند.

تعریف مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی از زوایای مختلفی قابل تعریف است از جمله :

۱. مددکاری اجتماعی یک خدمت حرفه‌ای است که بر دانش و مهارت‌های خاص قرار گرفته است و هدف از آن کمک به افراد، گروه‌ها یا جامعه است تا بتوانند استقلال شخصی، اجتماعی، و رضایت خاطر فردی و اجتماعی به دست آورند. (قندی، ۱۳۸۰: ۱۲).
۲. مددکاری اجتماعی کارکرد اجتماعی افراد را خواه به صورت فردی یا گروهی افزایش می‌دهد، برای این منظور، فعالیت‌های خود را بر روابط اجتماعی آنها که موجب شکل‌گیری کنش‌های متقابل افراد و محیط می‌گردد، متمرکز می‌سازد. این

فعالیت‌ها در سه زمینه ظاهر می‌شود: ترمیم و اصلاح قابلیت‌های مختل شده، تأمین منابع و امکانات اجتماعی و فردی و پیشگیری از کژ کارکردهای اجتماعی.

۳. مددکاری اجتماعی فعالیتی تخصصی است مبتنی بر یاری رساندن به افراد، گروه‌ها یا جوامع به منظور فراهم آوردن یا اصلاح قابلیت‌های آنها برای کارکردهای اجتماعی و ایجاد شرایط اجتماعی مساعد به منظور دستیابی به هدف تعیین شده.

۴. مددکاری اجتماعی به کنش‌های متقابل افراد و آن دسته از نهادهای اجتماعی که بر قابلیت آنها در انجام وظایف زندگی، خواسته‌ها و ارزش‌ها تأثیر گذاشته است، می‌پردازد و فشارها را کاهش می‌دهد. این کنش‌های متقابل بین افراد و نهادهای اجتماعی، در درون بافت رفاهی اجتماعی بزرگ‌تر پدید می‌آیند (الله یاری و میری ۱۳۸۸: ۱۴). به طور خلاصه می‌توان گفت امروزه هدف مددکاری اجتماعی حل مشکلات و افزایش کیفیت زندگی همه افراد جامعه از طریق ارائه خدمات مختلف است (Morales & Sheafor, ۱۹۹۲: ۲) که توسط نیروهای مختلف از جمله مددکاران اجتماعی انجام می‌شود.

مددکار اجتماعی

چه فردی می‌تواند مددکار اجتماعی شود؟ فردی که زمینه انسان دوستی و عشق کمک به انسان‌ها را داشته باشد در درجه اول باید خود شناسی داشته باشد. در واقع از خود شناسی به خود سازی می‌رسد. اولین مرحله خود شناسی این است که از خصوصیات شخصیتی خود آگاه باشد، زیرا شخصیت مددکاری اجتماعی و طرز تفکر او در ابعاد مادی و معنوی و نوع نگرش وی به مسائل اجتماعی و افراد جامعه در واقع جهان بینی او محسوب می‌شود. در همین راستا وضعیت ظاهر، برخورد اولیه مددکاری اجتماعی مهم است؛ زیرا پذیرش وی شروع می‌شود. از این رو، شایسته است مددکار اجتماعی از ظاهر خود و خصوصیات درونی خود آگاهی داشته باشد. از نظر ظاهری مرتب و آراسته و منطبق با ارزش‌های فرهنگی باشد. برای مثال، در جامعه اسلامی ایران رعایت حجاب ظاهری الزامی است و همه خانم‌ها ملزم به رعایت آن هستند از جمله مددکاران اجتماعی (خانم و آقا) که شایسته است نه تنها حجاب ظاهر بلکه حجاب فکر، حجاب زبان، حجاب چشم، و حجاب قلب داشته باشد. برخی

از راه‌هایی که می‌توان در راستای خودشناسی و خودسازی نام برد عبارتند از: دعا و توسل^۱، یوگا^۲، مراقبه^۳، آموزش خودزا و یادگیری اتوژنیک^۴ (الله یاری، ۱۳۸۵: ۱۷).

خدمات اجتماعی

خدمات اجتماعی شامل کلیه برنامه‌هایی می‌شود که به وسیله جامعه برای حل مسایل و رفع مشکلات به وجود آمده است و مددکاران اجتماعی که ارائه کنندگان خدمات اجتماعی هستند در اجتماع به ویژه در مؤسسات دولتی و اخیراً نیز با ایجاد مؤسسات خصوصی نقش پر اهمیتی بر عهده دارند.

باید خاطر نشان کرد که موضوع خدمات اجتماعی در جوامع مختلف همیشه به صورت های گوناگون مطرح بوده است و یکی از اهداف مورد نظر کلیه دولت ها بر خورداری همه افراد جامعه از حداقل نیازهای مادی و معنوی عنوان شده است. در واقع مشخص کردن استاندارد زندگی و تأمین حداقل نیازهای بشری از جمله وظایف هر حکومتی قلمداد شده است. بنابراین، برنامه‌های خدمات اجتماعی، در هر کشوری از اهم برنامه‌های اساسی بوده و نشان‌دهنده رشد و اهمیت یک کشور است. بدیهی است در جهان بینی اسلامی هدف نهایی از زندگی در این جهان بر خورداری از رفاه و آسایش نیست که انسان در کره زمین مأموریت دیگری غیر از آسوده زیستن دارد و شایسته است به رفاه و سعادت نه که به کمال برسد ولی بر مصداق: "من لا معاش له لا معادله" (هر که زندگی مادی ندارد زندگی اخروی ندارد) به نظر می رسد که جامعه به عنوان یک کل مسئول است به افراد کمک کند و جهت ارائه این کمک لازم است احتیاجات افراد مشخص شود. البته باید توجه داشت که یک جامعه عدل اسلامی از عدالت اجتماعی برخوردارست ولی تا استقرار کامل حکومت عدل اسلامی لازم است برای رفع ناهماهنگی ها برنامه های مناسب طراحی و اجرا شود. (الله یاری، ۱۳۸۵: ۱۳).

1. Pray
2. Yoga
3. Meditation
4. Autogenic Training

گروه‌های جمعیتی: پیشکسوتان مددکاری اجتماعی گروه‌های جمعیتی را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱. کودکان: تولد تا ۱۲ سال
۲. نوجوانان و جوانان: ۱۳ تا ۱۷ و جوانان ۱۸ تا ۳۹ سال
۳. میان سالان: ۴۰ تا ۶۴
۴. سالمندان: ۶۵ سال و به بالا

گروه‌های جمعیتی

نظر به اینکه مددکاران اجتماعی به گروه‌های جمعیتی خدمات حمایتی و به گروه‌هایی که ممکن است در یک مورد یا بیشتر به نوعی کم توانی داشته باشند خدمات توان بخشی را ارائه می‌کنند. تقسیم طبقه بندی افراد کم توان یا توان خواه به شرح زیر است:

- ۱- افراد کم توان جسمی: جسمی حرکتی، احشایی، حسی؛
- ۲- افراد کم توان ذهنی: قبل از تولد، زمان تولد، بعد از تولد؛
- ۳- افراد کم توان روانی: از جمله اختلالات شخصیت اجتماعی، اختلالات نوروز، اختلالات پسیکوز؛
- ۴- افراد کم توان اجتماعی: کودکان بی سرپرست، بد سرپرست، کار، خیابان، فراری، بزهکار - نوجوانان و جوانان با تأکید بر بزهکاری - بزرگسالان مجرم، معتاد، زندانی، متکدی.

نظریه منطقی در مددکاری اجتماعی

مددکاران اجتماعی پیرو نظریه منطقی مشکل اصلی مراجعان را، عدم توانایی آنها در تصمیم‌گیری درست در مورد موضوعات زندگی می‌دانند. به بیان دیگر، به دلیل تفکر غیر منطقی نمی‌توانند انتخاب درست داشته باشند. به همین جهت تغییر فکر مراجع و تغییر نگرش منفی او به سمت نگرش مثبت، اساس وظیفه مددکاری

اجتماعی را پی ریزی می‌کند. بنابراین، حل مسئله وی بنا بر شیوه منطقی انجام می‌پذیرد. این شیوه در عین حال که ممکن است ساده به نظر بیاید در عمل پیچیده و حساس است و به زمان بیشتری نیاز دارد، زیرا لازم است که مددکار اجتماعی از جنبه‌های مختلف به زندگی مراجع نگرینسته و چهارچوب محدودیت‌ها و امکانات وی را بداند.

نظریه رفتاری در مددکاری اجتماعی

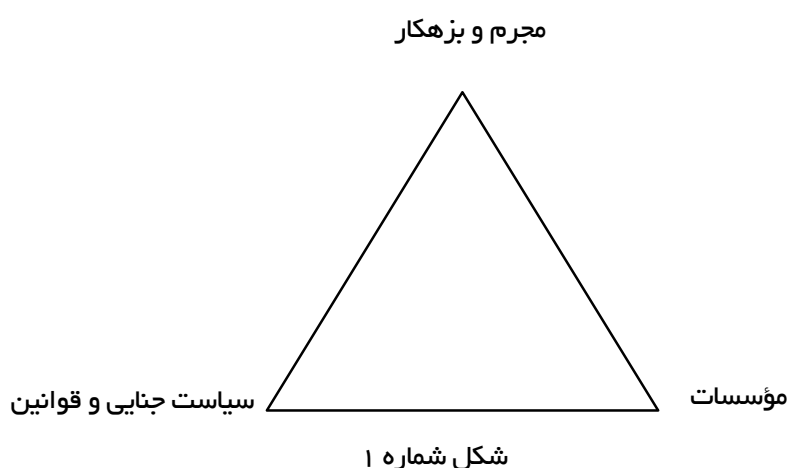
مددکاران اجتماعی که بر مشاهدات عینی رفتاری و محیط اجتماعی افراد تأکید می‌کنند بر رفتار مراجع به عنوان اساس تغییر یا یادگیری می‌نگرند. از این رو، حل مسئله و تغییر رفتار (تغییر مثبت) مورد تأکید قرار می‌گیرد. از طرفی تغییر رفتار بر شیوه زندگی نیز اثر می‌گذارد و اگر شیوه زندگی درست باشد حل مسئله آسان‌تر می‌شود.

پیشگیری اجتماعی

پیشگیری به معنی برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم برای کاهش جرم و بزه است. برای مثال، مطابق اصول ۲۹، ۳۰ و ۳۱ قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی و آموزش و پرورش رایگان و داشتن مسکن مناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است، شاید بتوان گفت برخورداری همه افراد جامعه از این حقوق به نوعی پیشگیری اولیه محسوب می‌شود و از ارتکاب جرم و بزه برخی افراد جهت رسیدن به این نیاز به صورت غیر قانونی جلوگیری می‌کند. از این رو، وظایف اجرایی نهادها و مؤسسات دولتی به طور اعم از اهمیت خاصی برخوردار است و به طور اخص نهادها و موسساتی که با افراد مجرم و بزهکار روبه‌رو هستند از جمله قانون اصلاح و تربیت و زندان. بدون تردید قوانین موجود در محکومیت یا تبرئه افراد سرنوشت‌ساز است.

مجرم و بزهکار: مجرم و بزهکار به افرادی گفته می‌شود که مرتکب اعمالی شوند که به موجب قانون آن اعمال مستلزم مجازات و اقدامات تأمین و تربیتی است. اگر

سن فرد بیشتر از ۱۸ سال باشد مجرم و اگر زیر ۱۸ سال باشد بزهکار نامیده می‌شود. بنا بر تعریف: «بزهکاری به مجموعه افعالی گفته می‌شود که وقوع آن در یک جامعه خاص غیرقابل چشم‌پوشی تلقی می‌شود و این افعال به اقتضای جوامع مختلف در زمان و مکان و هم‌چنین بر حسب تحولات سیستم سیاسی کشورها در نوسان است» (آشوری، ۱۳۷۷: ۲۹). در ایران طفل بزهکار کسی است که مرتکب عملی شود که قانون، ارتکاب آن را منع کرده یا ترک عملی که انجام آن را لازم دانسته است، ولی چنانچه این اعمال از یک بزرگسال سربزند آثاری بر آن مترتب خواهد بود که اگر از طفل سربزند آثار را نخواهد داشت. اگر چه بزهکاری اطفال در قرن حاضر به خصوص پس از خاتمه جنگ جهانی دوم به طور فزاینده‌ای رشد کرده اما کمیت و کیفیت ارتکاب جرم توسط اطفال، نوجوان و جوانان کشور های مختلف یکسان نمی‌باشد. از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان نتیجه گرفت سیاست جنایی و قوانین با کمک مؤسسات ذی‌ربط (اجرایی- تربیتی) در مقابل فرد مجرم و بزهکار قرار می‌گیرند و در واقع می‌توان آنها را در سه رأس یک مثلث به شرح زیر قرار داد:



در این مقاله سعی شده است از روش‌های اسنادی- توصیفی و از طریق مراجعه به آثار مکتوب اعم از کتب، مقاله‌های علمی، بر ضرورت استفاده از شیوه‌های مددکاری به منظور پیشگیری از جرم و بزه استفاده شود.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق مبتنی بر روش اسنادی و کتابخانه ای است.

سیاست جنایی و قوانین

سیاست جنایی خود در دو مبحث سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی قابل شرح است. در ابتدا آنچه در مورد سیاست جنایی می‌توان اشاره کرد این است که اعمال کیفر، نحوه سرکوبی، جرم و مجرم، تناسبت جرم و مجازات از موضوعات مهم سیاست جنایی است و برخی موارد که از جهت تقنینی در یک سیاست جنایی دخالت دارند عبارت‌اند از: جرم انگاری، جرم زدایی، کیفر زدایی، قضا زدایی و قوانین شکلی که به اختصار شرح داده می‌شود.

جرم انگاری: جرم انگاری یکی از راهکارهایی است که پس از پیدایش حکومت‌ها در پیشگیری از وقوع جرم همواره مد نظر بوده و بخش عمده‌ای از سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد. جرم انگاری فرایندی است که طی آن جامعه اعمالی را که در تضاد با منافع خود و افرادش می‌بیند ممنوع کرده و مجازات‌هایی را برای آن قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، جرم انگاری یا جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک یک فعل فرایندی است که به وسیله آن رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری، مشمول قانون جزا می‌شود. هر قدر دامنه این قوانین تحت فشار عمومی گسترده‌تر می‌شود مجرم‌ان بیشتر نیز به وجود می‌آورد. مهم‌ترین مرجع جرم انگاری قوه مقننه است که مطابق با قانون اساسی، فرهنگ، اقتصاد، و مذهب و نوع حکومت یا عوامل دیگر به وضع قوانین دست می‌زند و در امور کیفری نیز جرم انگاری و جرم زدایی می‌کند. از این رو، این دستگاه اهمیت بسزایی در تأمین و اعمال یک سیاست جنایی و صحیح

و سنجیده دارد. صرف نظر از سایر قوانین که توسط این نهاد وضع می شود، شایسته است قوانین کیفری توسط کسانی تهیه و تصویب شود که دارای تخصص در زمینه حقوق جزا و جرم‌شناسی مبتنی بر روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و سایر علوم اجتماعی باشند.

جرم زدایی: پویایی، تحول و مطابقت با زمان و مکان براننده یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر است. چه بسا اعمالی که زمانی جرم محسوب می شدند، اما دیگر ضرورتی برای ممنوعیت و مجازات مرتکبان آنها وجود نداشته است. برای مثال، اعتیاد در بسیاری از کشورها جرم تلقی می شد اکنون در برخی از کشورها از جمله ایران در مواردی از آن جرم زدایی شده تا افراد معتاد بتوانند آزادانه و بدون ترس از مجازات خود را به مراکز درمانی معرفی و معالجه کنند؛ در حالی که جرم بودن آن مانع از درمان و در نتیجه منتهی به جرایم بسیاری می شود که البته به معنای مجاز بودن چنین اعمالی نیست، بلکه به این معناست که ضمانت اجرایی کیفر برای آن ضرورتی ندارد و باید ضمانت اجرای مناسب تری را در نظر گرفت با توجه به اینکه هدف اصلی حقوق جزا جلوگیری از جرم یا کاهش آن است لازم است استفاده از حقوق جزا نافع باشد به این معنا که فایده حاصل از آن از هرگونه زیان مربوطه بیشتر باشد. به عبارت دیگر، منافع جرم شناختن عمل باید بر هزینه‌های آن غلبه داشته باشد.

کیفر زدایی: در کیفر زدایی که نوعی جرم زدایی ناقص است یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی جایگزین کیفر می شود ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می گردد. از منظر مددکاری اجتماعی مجازات، اثرات زیان باری را بر جسم و روان مجرم باقی می گذارد و هزینه های گزافی را بر جامعه تحمیل می کند. از جمله اینکه موجب ارتکاب جرم در آینده می گردد، زیرا با اجرای آن موجب می شود پیامدهای مجازات از قبیل از دست دادن حیثیت اجتماعی، شغل و اعتبار اجتماعی به عنوان سدی در مقابل ارتکاب جرم از میان برداشته شود از طرف دیگر فرد مجرم در زندان با سایر افراد مجرم آشنا می شود و تجربیات آنان را در ارتکاب جرم فرا می گیرد همچنین ترس و وحشت او از زندان و مجازات از بین رفته و احساس

می‌کند محیط زندان هم جای چندان مخوفی نیست و برای افراد بی بضاعت محل مناسبی است که می‌توانند با دوستان خود ولی به هزینه دولت زندگی کنند، از این رو، با دقت در وضعیت زندان‌ها و محیط ناسالم و مخرب آن شایسته است اهداف و برنامه‌های جاری آن‌ها باز نگری شود و نیز کیفر زدایی نسبت به جرایم بعضی از مجرمان در شرایط خاص مدنظر قرار بگیرد.

قضازدایی: قضازدایی به مکانیزمی که در جهت محدود کردن صلاحیت نهاد های دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود، اطلاق می‌شود. عنوان مجرمانه زودوده می‌شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می‌گردد. قضا زدایی بدین معناست که چون شخص ممکن است به علت بر حسب مجرمانه گرایش بیشتری به ارتکاب جرم پیدا کند، زیرا با تشریفات تأیید و اقرار به جرم و محکومیت کیفری در محضر دادگاه روبه‌رو می‌شود در نتیجه از وی انتظار می‌رود که مجرم گونه رفتار کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷: ۳۰). تکرار جرم در آینده نیز بدین ترتیب نه به وسیله فردیت شخص بلکه بر حسب فرایند بر حسب زنی تبیین می‌گردد. روش‌های انصرافی مانند قضا زدایی و دور نگه داشتن مجرم و جلوگیری از تماس وی با دستگاه عدالت، به ویژه در مورد اطفال بزهکار که به جای مجازات نیاز به مراقبت و تربیت صحیح دارند دارای اهمیت فراوانی است. بنابراین، با قضا زدایی علاوه بر اینکه از مضرات مجازات و تماس شخص با دستگاه عدالت دوری می‌شود به نوعی از ممنوعیت و غیرقانونی کردن فعل یا ترک فعل استفاده می‌شود.

همان طور که گفته شد اطفال بزهکار نیاز به اصلاح و تربیت دارند، ولی در عمل (تا آنجا که تجربه های نگارنده این مقاله در ارتباط با اطفال بزهکارانشان داده) اطفالی که بزه ارتكابی آنها قتل عمد بوده (هرچند که اطفال اراده‌ای مخدوش داشته و مفاهیمی چون قصد و عمد و علم به بزه ارتكابی در مورد آنان نمی‌تواند زیاد صادق باشد) در کانون اصلاح و تربیت نگه داشته می‌شوند تا به سن ۱۸ سالگی برسند و در این سن آنها را اعدام می‌کنند. در حالی که طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی اطفال مبری از مسولیت کیفری هستند. اگر این سؤال پیش بیاید که چرا «طفل» را اعدام کردند، با مطالعه مواد قانونی در این زمینه این پاسخ برداشت می‌شود که

«بزرگسال» اعدام شده نه «طفل»!! در حالی که این بزرگسال امروز، همان طفل دیروز بوده و در زمان طفولیت مرتکب بزه شده لذا مجازات هم بایستی بر اساس شرایط آن زمان تعیین شود و شرایط ارتکاب جرم (شرایط مکان، زمان، حالت، وضعیت) در تعیین مجازات لحاظ شود و گرنه بدون توجه به چنین شرایطی مجازات تعیین شده دور از عدالت و انصاف و موازین حقوق بشری است و هیچ گونه بنیه و اساس شرعی و عرفی ندارد.

از طرفی بر طبق منع محاکمه و مجازات مجدد، «هیچ کس را نمی‌توان به خاطر اتهامی که در سابق به شیوه‌های قانونی مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم قطعی، اعم از محکومیت یا برائت شده برای بار دوم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار داد، حتی اگر محکومیت سابق او مورد عفو واقع شده یا مشمول مرور زمان شده یا به جهتی از جهات قانونی غیر قابل اجرا باشد». از این جهت، برخی از مواد قانون مجازات اسلامی نیاز به بازبینی دارد (مقاله دادرسی کیفری و حقوق بشر سال ۱۰، شماره ۳۸ به نقل از دهقان، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

قوانین شکلی: مقررات حاکم بر نحوه رسیدگی، صلاحیت دادگاه‌ها، تجدید نظر و این قبیل امور می‌تواند در روند کار دستگاه عدالت تأثیر مهمی داشته باشد. سرعت همراه با دقت و تیزبینی در تمام مراحل یک پرونده کیفری به ویژه در مراحل کشف و تعقیب دارای اهمیت شایانی در تعیین سرنوشت پرونده است، از این رو، قوانین شکلی را باید طوری تدوین کرد که این مراحل به دست افرادی دارای تخصص و تجربه کافی و با سرعت لازم صورت گیرد، زیرا در غیر این صورت بیشترین امیدی که مجرمان را به ارتکاب جرم تشویق می‌کند فرار از دست قانون و کشف نشدن جرم آنها یا استناد عمل مجرمانه به آنهاست. در نتیجه اصلاح قوانین شکلی در این راستا می‌تواند به عنوان یکی از عوامل قطعی در پیشگیری از بزهکاری مطرح باشد.

سیاست جنایی قضایی

یکی از عوامل مهم که می‌تواند در کاهش جرم تأثیر بسزایی داشته باشد دستگاه عدالت کیفری است. بنابراین، ابتدا باید پذیرفت که دخالت قضات بی‌طرف برای

استقرار حقوق و رفع هر گونه تجاوز و بی عدالتی ضرورت دارد و شایسته است حفظ بی طرفی در امر قضا رعایت شود تا متهم احساس نکند یک نفر از طرف جامعه مأمور شده به هر طریقی اتهام او را به اثبات برساند. اگر چه این مجازات‌ها نمی‌تواند به عنوان تنها عامل باز دارنده در مقابل افزایش روز افزون جرایم مطرح باشند ولی در صورت استفاده صحیح و رعایت اصول اساسی در مورد آنها عامل مهمی در پیشگیری از بزهکاری محسوب می‌شود. در این رابطه سه عنوان: حتمیت در تعقیب و مجازات، سرعت در تعقیب و رسیدگی، اجرای صحیح عادلانه مقررات جزایی شرح داده می‌شود.

حتمیت در تعقیب و مجازات: جنبه اربعی مجازات‌ها باعث اجتناب از ارتکاب بزه می‌شود و تقویت این ویژگی، قطعیت و حتمیت در تمام مراحل کیفری اعم از کشف جرایم، تحقیق، تعقیب، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات امری ضروری و لازم است. یکی از وظایف دستگاه عدالت، تلاش در کشف جرایم و تعقیب بزهکاران است. مأموران پلیس که در رابطه با کشف جرایم فعالیت می‌کنند شایسته است از بالاترین ضریب هوشی برخوردار باشند تا بتوانند با مجرمان حرفه‌ای که هر روز شیوه‌ای نوین را در عمل بزهکاری به کار می‌گیرند، مقابله کنند. همچنین افرادی تحصیل کرده در زمینه جرم‌یابی باشند. در خصوص تعقیب در مقابل دادگاه‌های کیفری نیز گرفتگی و کندی چرخ‌های دستگاه عدالت کیفری و در پی آن افزایش قابل توجه پرونده‌هایی که به مقامات تعقیب کننده اعلام می‌گردد مشاهده می‌شود. افزایش بی رویه مدت حل و فصل دعاوی و تعیین تکلیف پرونده‌ها موجب طولانی شدن مدت بازداشت‌های موقت و طولانی شدن مواعد دادرسی و در نتیجه زایل شدن اثر مجازات‌ها می‌شود.

در مرحله اجرای حکم، افزایش افراد زندانی و عدم افزایش امکانات زندان جهت بهبود وضعیت افراد مجرم، اصلاح آنها و سازگار کردن آنان با جامعه مشاهده می‌شود. در نتیجه زندان‌ها به جای ایفای رسالتی که به آنها محول شده یعنی پیشگیری از تکرار جرم، خود زمینه و شرایط را برای تکرار بزهکاری به صورت غیر مستقیم به وجود می‌آورند. با وضعیت کنونی نه تنها نمی‌توان از زندان‌ها، سازگار کردن و

اجتماعی کردن افراد محکوم را انتظار داشت، بلکه حتی رسالت خنثی کردن و باز دارندگی را که وظیفه اولیه مجازات سالب آزادی است ایفا نمی کنند. هدف از اعمال مجازات خواه بازدارندگی و پیشگیری باشد یا اصلاح و تربیت مجرم و سازگار کردن او یا ارباب دیگران با حتمیت در اجرای تدابیری که توسط قاضی پیش بینی شده اعم از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی ممکن می شود.

سرعت در تعقیب و رسیدگی: قانون آیین دادرسی کیفری که مشتمل بر مقررات شکلی است نیز جایگاه اساسی و عمده ای در زمینه سرعت در رسیدگی دارد، زیرا در عین حالی که با قواعد خود معیار رفتار مجرمانه و کیفر را بررسی می کند باید این نقش در حد امکان به کیفیتی ساده و آسان و سریع به گونه ای تحقق بخشد که به حقوق اساسی افراد لطمه ای وارد نیاید. تسریع در رسیدگی به جرم و صدور تصمیم نهایی و اجرای آن باید در اصطلاحات مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری همیشه در راس اهداف قانون گذاران باشد. آنچه جامعه ما را در قبال خطر تبهکاران بهتر صیانت خواهد کرد وجود قواعدی است که بتواند در کشف سریع و فوری جرم و تعقیب و محکومیت حتمی و مسلم مجرم به مجازات موثر واقع شود. از این رو سیستم کشف، تعقیب، تحقیق و رسیدگی و حتی اجرای مجازات و پس از آن باید متناسب با تحولات جرم در حال و آینده متحول گردد، در غیراین صورت، کندی کار دستگاه کیفری فرصت امید بیشتری برای بزهکاران در ارتکاب بزه فرا هم می کند (فتاح، ۱۳۷۷ : ۵۰).

اجرای صحیح و عادلانه مقررات جزایی: فردی که به دلیل موانع و محدودیت های ایجاد شده در جامعه مجبور به ارتکاب جرم شده و اکنون جامعه او را مجازات می کند در صورتی که شاهد آن باشد که افرادی مرتکب همان جرم می شوند اما به خاطر موقعیت اجتماعی، نفوذ، ثروت یا هر دلیل دیگری مجازات نمی شوند به دلیل این عدم تساوی در مقابل قانون و بی عدالتی، دشمنی و کینه مضاعفی نسبت به جامعه در او ایجاد می گردد. در صورتی که بر خورد مراجع قضایی با همه یکسان نباشد و تخلفات قضایی، فساد، رشوه و نفوذ بر آراء دادگاه ها تأثیرگذار باشند افراد مجرم قبحی برای عمل خویش احساس نمی کنند و ارتکاب

جرم را در راستای احقاق حقوق خویش از جامعه می دانند و دست به جرایم مکرر می زنند. از این رو، شایسته است مقررات جزایی و قوانین شکلی به گونه ای باشد که از چنین وضعیتی جلوگیری کند.

راه های تقویت موقعیت بزه دیده

از دیدگاه مددکاری اجتماعی، یکی از راه های پیشگیری از جرم، تقویت موقعیت شخصی است که در معرض خطر قرار گرفته است. بسیاری از جرایم به دلیل ضعف جایگاه بزه دیده از جهت آگاهی، اطلاع، قدرت جسمی و... صورت می گیرد. برخی از راه حل ها عبارتند از: آموزش افراد در معرض بزه، هشدار، افزایش نیروهای پلیس، تشویق بزه دیدگان به اعلام جرم، تشویق عموم به حمایت از بزه دیدگان.

در مورد آموزش افراد در معرض بزه، می توان با آموزش ساده و کم هزینه، مجنی علیه را تقویت کرد تا خود را در معرض بزه کاری قرار ندهد. بسیاری از جرایمی که امروزه روی می دهد از طریق حيله، نیرنگ و اغفال کردن مجنی علیه است به ویژه این روش بر روی کودکان کم توان ذهنی یا جسمی مؤثر واقع می شود. از این رو، آگاه کردن افراد (آگاهی دانش آموزان از طریق مدرسه ها، کارکنان دولت از طریق دستگاه مربوط، سایر افراد جامعه از طریق رسانه ها) از روش های بزه کاری که در بین بزه کاران معمول است در بسیاری از موارد مفید و مؤثر واقع می شود. حضور مستمر، فعال و مؤثر پلیس در میدان ها، خیابان های اصلی و فرعی و ناحیه های پرجمعیت شهری سبب کاهش جرم می گردد. شایسته است که پلیس نیروی اصلی خود را در جهت جلوگیری از وقوع بزه صرف کند تا این مکان ها از وجود افراد فرصت طلب در نقش های متکدی، بیکاره و نظاره گر و عامل انتقال مواد مخدر و... پاک شود. همچنین افراد بزه دیده ممکن است به دلایل مختلف از شکایت و اعلام جرم خودداری کنند؛ زیرا عواملی چون ترس از مجرم، عدم اعتماد و اطمینان به پلیس، عدم آشنایی به حقوق خود می تواند موجب شود تا فرد بزه دیده جرم را اعلام نکند. برای مثال، والدینی که فرزندانشان توسط آدم ربایان ربوده شده و او را تهدید کرده اند که در صورت گزارش به پلیس، فرزندانشان را خواهند کشت، اگر والدین اعتماد به برخورد منطقی و عاقلانه پلیس نداشته باشند و احتمال بدهند با

یک اقدام پلیسی نسنجیده روبه‌رو می‌شوند، با پلیس همکاری نخواهند کرد. همچنین تشویق عموم مردم به حمایت از بزه دیدگان با استفاده از قدرت رسانه‌های جمعی، انجمن‌ها و... یکی از راه‌حل‌هاست. مشارکت عموم مردم در سیاست جنایی مؤثر است؛ زیرا امروزه پیشگیری از بزهکاری از جمله اموری است که به همه افراد جامعه مربوط می‌شود. ترویج همبستگی بین افراد جامعه و ایجاد نوعی همگونی فرهنگی در جامعه باعث می‌شود انسان‌ها نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت کنند و جان و مال دیگران را به منزله جان و مال خویش دانسته و مراقبت‌های لازم را به عمل آورند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از مثبت بودن پاسخ سؤال‌های تحقیق است یعنی نشان می‌دهد بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی و آگاهی اجتماعی بویژه آگاهی حقوقی خانواده‌ها و وقوع جرم رابطه مستقیمی وجود دارد. بدین معنی که خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا تر و آگاهی از قوانین دارند معمولاً دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند، ولی در خانواده‌هایی که دارای وضعیت پایین اقتصادی-اجتماعی هستند و آگاهی کمتری از قوانین دارند خواسته یا ناخواسته دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بحث شده، سیاست جنایی و قوانین موجود می‌تواند به عنوان اولین عامل مهم در کاهش جرم قلمداد شود بویژه آنکه بر اساس بند ۵ از اصل ۱۵۶، قوه قضائیه مکلف است برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح افراد مجرم نهادهایی را در داخل قوه قضائیه ایجاد کند و در این راستا تلاش خود را بر اقدامات اجتماعی، بازپروری و اصلاح افراد مجرم و سازگار کردن آنان با جامعه متمرکز کند. در واقع تشریک مساعی قوای سه‌گانه در امر پیشگیری کارساز است.

دومین عامل مهم نهادها و مؤسسات موجود در کشور است که شامل دو دسته: ۱- نهادهای بازپروری و اصلاح افراد مجرم؛ ۲- سایر نهادهای موجود از جمله کلیه تشکیلات دولتی، خصوصی و مردمی است. با توجه به وضعیت موجود شایسته است که این نهادها مورد بازنگری قرار بگیرند از جمله زندان‌ها، مراکز اصلاح و بازپروری که چنانچه سیستم آنها به نحوی تغییر کند که به شخصیت فرد مجرم توجه شود و دوره زندگی وی با توجه به نوع جرم از نقطه نظر روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و به صورت تخصصی مورد اصلاح و بازپروری واقع شود از افزایش تعداد افراد مجرم پیشگیری می‌گردد. در واقع «اصلاح مردم جز به وسیله عدالت امکان پذیر نیست. جامعه و شهروندان را هیچ عاملی به اندازه اجرای عدالت در مسیر درست قرار نمی‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: الرعیه لا یصلحها الا العدل. به موجب این روایت حتی در مجازات ناقضان قانون نیز تنها شمشیر عدالت (نه خشم و غضب) کارآیی دارد» (دهقان، ۱۳۸۴: ۳۸).

سومین عامل مهم خود فرد است اگر افراد جامعه از بدو تولد تا جوانی تحت نظر نهادهای مرتبط قرار بگیرند در پیشگیری از جرم مؤثر است. پیشنهاد می‌شود که همه کودکان از بدو تولد تا سن ۶ سالگی از نظر رسیدگی به وضعیت بهداشت و سلامت و بهزیستی تحت نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی قرار داشته باشند. این کار از طریق برنامه ریزی واحدهای مددکاری اجتماعی در وزارت بهداشت یا سازمان‌های تابعه در سطح کشور امکان پذیر است. از سن ۶ سالگی تا ۱۸ سالگی تحت نظر وزارت آموزش و پرورش قرار بگیرند و نه فقط از نظر سواد آموزی بلکه از نظر پرورشی هم مورد توجه واقع شوند. این کار از طریق برنامه ریزی دفاتر مشاوره و مددکاری اجتماعی در مدارس سراسر کشور امکان پذیر می‌باشد. شایسته است در سیستم آموزش و پرورش تغییر مناسب حاصل شود؛ زیرا سیستم فعلی که مبتنی بر قبولی و مردودی است مربوط به یک صد سال گذشته می‌باشد و دانش آموزان معمولاً بعد از پایان تحصیلات دبیرستانی قادر به اداره امور زندگی خود به طور مستقل نمی‌باشند. وزارت آموزش و پرورش برای هر

دانش آموز مدت ۱۲ سال فرصت دارد تا ذهن دانش آموزان را از آلوده شدن به بزه و عمل خلاف قانون برای هر دوره از زندگی دانش آموز کاملاً پاک گرداند. این امر توسط انجمن اولیا و مربیان با همکاری روان شناسان، مددکاران اجتماعی و مشاوران در مدارس امکان پذیر است.

بدون تردید نقش نیروی انتظامی در سطح کشور بسیار با اهمیت و پر رنگ است به ویژه آنکه اخیراً نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (در تهران) با استفاده از نیروهای متخصص از جمله مددکاران اجتماعی که مشکلات خانواده ها را پیگیری می کند فعالیت بسیار چشمگیری داشته است. از طرفی برخی از نواحی شهرداری ها (در شهر تهران) با به کارگیری نیروی تخصصی مددکاران اجتماعی (فارغ التحصیل از دانشگاه) در کاهش آسیب های اجتماعی موفق بوده اند؛ زیرا مددکاران اجتماعی شاغل در شهرداری با همکاری واحد مشاوره و مددکاری اجتماعی در مدارس و واحد مددکار اجتماعی در مراکز تابعه سازمان بهزیستی از وضعیت زندگی و معیشتی خانوارهای آن ناحیه و نیز مشکلات و آسیب های اجتماعی موجود مطلع شده و درصدد رفع آن برمی آیند. از این رو، در صورت همکاری و هماهنگی واحد های اداری و اجرایی تابعه قوه قضائیه (از جمله زندان ها و مراکز اصلاح و تربیت) با زنجیره مددکاران اجتماعی و روان شناسان و مشاوران و سایر متخصصان علوم اجتماعی در نهادهای مختلف (نیروی انتظامی، واحدهای مددکاری اجتماعی و مشاوره و روان شناسی در وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، وزارت رفاه و سازمان تأمین اجتماعی) و با همفکری دانشگاه ها می توان برنامه ریزی منطقی و عملی مفیدی را برای پیشگیری از وقوع جرم و برخورداری خانواده ها به ویژه خانواده های درگیر یا در معرض آسیب از حداقل امکانات رفاهی را طرح و اجرا کرد.

پیشنهادهای

۱- پیشنهادهای کاربردی

- بازنگری در روند کار زندان ها و مراکز اصلاح و بازپروری

- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری وزارت رفاه اجتماعی همه کودکان را از بدو تولد تا قبل از دبستان از نظر سلامت و توانبخشی و پرورشی تحت نظارت داشته باشد.

- وزارت آموزش و پرورش به مدت ۱۲ سال مسئولیت پرورش و آموزش دانش‌آموزان را در عمل عهده دار شود.

۲- پیشنهادهای پژوهشی

- بررسی نقش مددکاران اجتماعی در کانون اصلاح و تربیت با تأکید بر جوانان آموزش دیده و ترخیص شده از کانون.
- پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۷۷) *تقریرات درس جرم شناسی*، قم: مجتمع عالی قم.
- بولک، برنارد (۱۳۷۲) *کیفر شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰) *جرم شناسی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- دهقان، حمید (۱۳۸۴) *شمیم عدالت: تحلیل مفهوم عدالت و تاثیر آن بر حقوق کیفری (با تکیه بر آموزه های اسلامی)* قم: انتشارات رسالت.
- قندی، محسن (۱۳۸۰) *مددکاری اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات عطایی.
- لازرژ، کریستین (۱۳۷۵) *سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر یلدا.
- موسوی چلک، سید حسن (۱۳۸۳) *خشونت و سرقت*، تهران: انتشارات شلاک.

فصلنامه

- الله یاری، طلعت و میری بلوچی، عصمت (۱۳۸۸) *میزان رضامندی شغلی مددکاران اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در تهران*، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۴۴، صفحات: ۲۱۹-۱۹۳.
- پیشگیری از جرم (۱۳۸۳) انتشارات معاونت پژوهش نیروی انتظامی، شماره ۳
- فتاح، عزت الله (۱۳۷۷) *آینده جرم شناسی و جرم شناسی آینده*، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، فصلنامه نامه مفید، دانشگاه قم، شماره ۱۴.

مقالات

- الله ياری، طلعت (۱۳۸۵) مقاله درسی: *مبانی مددکاری اجتماعی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- صفاری، علی (۱۳۸۶-۱۳۸۵) *پیشگیری وضعی*، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی.
- گسن، رمون (۱۳۷۵) *روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹ .
- نجفی ابرند آبادی، دکتر علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷) ، *دانشنامه جرم شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- میرخلیلی ، سید محمود (۱۳۷۸) *پیشگیری از بزهکاری*، دانشگاه تهران واحد قم، پایان نامه کارشناسی ارشد.

Morales, A. & Sheafor , B. (1992). *Social work: A profession of many faces*. Allyn & Bacon: Boston.